



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۲۸

مصطفی عمرزی

## پوهنتون بین المللی اسلامی ننگرهار

اهمیت:

وقتی نماینده گی قم (حوزه علمیه خاتم النبیین) گشوده شد و در مدتی که فارغان مدارس دینی پاکستان و حوزه های تعصب در افغانستان، قربانی های زیاد گرفتند، کمتر کسی پیدا شد که با دید ژرف، مساله را تحلیل کند. حوزه علمیه خاتم النبیین، ضرورت فرهنگی و مدنی عنوان شد و هشدار دادند نیاز های جامعه اقلیت اهل تشیع افغانستان، ایجاباتی دارند که در کشوری که اکثریت مسلمانان آن اهل سنت اند، اولویت های شیعیان آن قدر زیاد می باشند که باید مکانی در حد جمعیت اهل سنت، اما برای اهل تشیع از پول های به ظاهر جهادی شیخ آصف محسنی که سهم جهادی جالبی هم ندارد، اعمار شود. مدیریت ساختمانی، اجندای درسی و بالاخره میلیون ها دالر چرخانیدن این چرخه آخندی ولایت فقیه (حوزه علمیه رافضی) که طی یک دهه، مصارف آن بالاتر از قیمت ساخت و ساز شد، معلوم است از توان مالی شیخی که فاقد تجربیات سرمایه داری می باشد، بالاست؛ زیرا دیگر پول های جهادی جنگ سرد نیز وجود ندارند.

طرف مقابل جریان رافضی، با طیف مخالفان مسلح، نیازی به نقد ندارد، اما آن چه مهم است، وقتی با تضاد پدیده های شیعه و سنی مواجه می شویم، فارغان حوزه به اصطلاح علمیه ولایت فقیه در افغانستان، پیش از آن که داریایی های مهم علمی داشته باشند، حتی در جامعه روحانی، مدعی می شوند که افغانستان، ایران شرقی است. خدا می داند دیگر چه افغانستان ستیزی هایی در آن جا درس داده می شوند. از سوی دیگر، فارغان مدارس دینی پاکستان، تخریب افغانستان را وجیبه اسلامی می دانند. این هر دو طرف، هم در حال و هم در آینده، افغانستان را با ایجاد معضلات عقیده تهدید می کنند، اما وقتی برای اولین بار کوشش شد پوهنتونی ایجاد شود که نه فقط مشکلات حوزه آموزش های دینی مردم را حل کند تا دیگر مجبور نباشند فرزندان خود را تحویل حوزه های مذهبی ضد افغانستان دهند و مهمتر از همه، نهادی به وجود آید که مشکل اکثریت اهل سنت افغانستان رفع شود، هیاو درست می کنند که تا طرفداران ولایت فقیه، ردیف دارد.

متأسفانه کسی خودش را زحمت نداده است که اگر این پوهنتون فقط با این بهانه که بیشتر از سوی کشور های اهل سنت عرب تمویل می شود، مسدود شود، باید پاسخ می دادند چه خبری از فارغان مراکز دینی داشته ایم که ایرانی اند یا پاکستانی. اگر عاقلانه فکر کنیم، با مدیریت این مرکز (پوهنتون اسلامی) کی از بزرگ ترین مراکز اسلامی سطح منطقه خواهد بود، نه فقط فارغانی خواهیم داشت که برخلاف تبلیغات افراطی مدارس دینی پاکستان، مدرن است، بل با مدیریت افغانی این مرکز، فارغان این پوهنتون، کسانی خواهند بود که برعکس محصلان نماینده گی قم و مدارس آی.اس.آی، افغانستان و افغان بودن را فراموش نکنند. افزون بر این، مدیریت منابع بشری وابسته به این مرکز که باید در شعاع اولویت های افغان ها برنامه ریزی کند، طیف وابسته به منافع افغانستان را فارغ می دهد. در شرایطی که از رهگذر افراطیت دینی ایرانی و پاکستانی، به اختناق جامعه افغانی افزوده اند، رشد مذهب گرایان «افغان»، بسیار مهم است.

اگر شعور سیاسی وجود داشته باشد، این مرکز بزرگ اسلامی، ضم سیاست های افغانی می شود تا در جهت منافع افغانستان، محصلانی داشته باشیم که حداقل با سنت بی طرفی فرهنگ افغانی، وقتی از ایران و پاکستان باشند، پس از فراغت، افغانستان را ایران شرقی و راهی به سوی جنت بشمارند.

تبلیغات میان تپی، به اصطلاح مدنی و روشنفکری که ناخودآگاه، زیر تاثیر ولایت فقیه قرار می گیرند، شماری را واداشته اند برای جلوگیری از ایجاد پوهنتون اسلامی که توسط مسلمانان اهل سنت تمویل می شود، ما را از مزایای مرکزی محروم کنند که در تنازع فرهنگی کنونی، در برابر حوزه های آخوندی ولایت فقیه، فرهنگ سازی می کنند. نیاز به این فرهنگ سازی، اشد ضرورت در تقابل با جریان سیاسی- فرهنگی ایران است که به نام زبان و عقیده، به ایجاد فاصله در میان جامعه افغانی می پردازد. مفاد پوهنتون اسلامی افغانستان، هزار مرتبه بیشتر از ضرر آن است. در شرایطی که با تولیدات ایرانی و پاکستانی، موضع سیاسی می سازند، برای تقابل سیاسی، به آن پوهنتون اسلامی ضرورت داریم که «افغان» های مسلمان را فراموش نکنند. در حالی که مراکز بزرگ عمرانی، در شمار تاسیسات بزرگ زیر بنایی، ضرورت اساسی ساماندهی اجتماعی به شمار می روند، مفاد اقتصادی آن ها در گونه پوهنتون ها، باعث به میان آمدن تجمعات بزرگ علمی می شود.

اگر موفق شدیم و از خیر پوهنتونی که تحفه دم نقد است، به خوبی استفاده کردیم، معیار های علمی، تمرکز بشری، صرف هزینه ها و تامین نیاز های اولیه این مراکز، در جامعه ما که حتی در حد شخصی، نیاز به ایجاد شغل دارد، هزاران شغل کوتاه مدت و دراز مدت ایجاد می کند. در حول این تاسیسات، از امور ساختمانی و تامین نیاز های آن از بازار داخلی تا رشد طیف جدیدی از

د پانوی شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنی بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خبر و لولی

نخبه گان افغان که باید با طرح های از قبل، سطح کیفیت علوم انسانی را نیز بلند ببرند، مراکز ی چون پوهنتون بزرگ اسلامی، به بخش قابل ملاحظه ای از چرخه فعالیت های مدنی و فرهنگی ما مبدل خواهند شد. این مکان ها در سطح ولایات و پایتخت، با نقش نمادین عمرانی آن ها باعث کیفیت و رونق ساخت و ساز نیز می شوند.

### پوهنتون بین المللی اسلامی ننگرهار:

شانس های زیادی هدر رفتند که بیشتر بر اثر ساختار انتلافی حکومت، متأثر از گرایش های فردی، حزبی و قومی بودند. پس از منظوری زمین، افتتاح و آغاز اعمار احاطه پوهنتون بین المللی اسلامی ننگرهار، ظاهراً به بهانه نامنی، پروژه انکشاف و توسعه این پوهنتون متوقف می ماند. پوشیده نیست که ستون پنجم ولایت فقیه در افغانستان با تمام کارایی فزینی و رسانه ای فعالیت می کند.

فشار هایی مضاعف که گویا نباید به مراکز و هابی اجازه داده شود، توازن تقابل به نفع ایران را بیشتر کرده اند. خالی ماندن عرصه ای که می بایست در برابر فرهنگ رافضی، جامعه اکثریت اهل سنت را وقایه کند، موضع افغان ستیزان ایرانگرا را با ابزار تشیع و زبان به اصطلاح فارسی، فشرده می سازد. در جانب دیگر، دمیدن به روحیه افراطی اهل سنت افغانستان که با حمایت داعش و بنیادگرایی مذهبی مدارس پاکستانی توأم است، دچار ضیاع بشری می شویم؛ زیرا حامیان داعش و مدارس پاکستانی ثابت کرده اند با منافع ملی ما بیگانه اند.

در طول بحران، نفی ارزش های ملی و باور های اسلامی عجین با فرهنگ افغان ها، گروه ها و مردمانی را تحمیل می کردند که برای هر اخوانی فراری و متواری جهان، افغانستان را ملجا می ساختند، اما در زمینه زنده گی افغان ها، مردم ما را بیگانه می شمردند.

در تفکر اخوانی تنظیمی- جهادی که در تقابل شرق و غرب، به حد تروریسم بین المللی رسید، افغانستان ما، سرزمین مردمانی با دیرینه و پیشینه شناخته نمی شود. این جا ماوای تروریستان و به اصطلاح مجاهدینی شده است که با کشتن سربازان مسلمان افغان نیز خیال می کنند به بهشت می روند.

افغان ستیزی نوع دین گرایی، سایه شوم تقابل چهل سال اخیر است. شاگردان مکاتب اخوانیسم بین المللی، هیچ ارجی به جیوپولیتیک مردمانی قابل نبودند که از این حیث، وجاهت جهانی داشتند. بنابراین، تمام اولویت های ما، قربانی باور هایی می شود که شماری نادانسته به محور امارت بنیادگرایی تن می دادند که القاعده، سمبول آن شناخته می شود.

توطئه جدید حذف پوهنتون بین المللی اسلامی ننگرهار، در حالی که با ماهیت افغان ستیز دنبال می شود، با شکوک زیادی توأم شده است. در نخست با تاخیر آن، عدم علاقه مندی حامیان مالی آن بیشتر می شود. طرح انتقال آن در پایتخت، بدون شک که با فعالیت های به اصطلاح «معدنی» (مدنی) گروه هایی توأم می شود که جناح فارسیست آن، فعال تر است. به این اساس، تداخل سیاسی- فرهنگی افغان ستیزان در مرحله بهره برداری، آسیب های جدی را متوجه روابط افغانستان و اهل سنت جهان می کند.

ضمن روشنگری های بسیار، تبیین این حقیقت که بایسته است توسعه عمرانی کشور به گونه متوازن به محور های جلب و جذب اقتصادی، فرهنگی و رهائشی مبدل شود، تمرکز بیش از حد در شهر کابل که بر اثر بحران مداوم و آسیب های شدید ناشی از جنگ های داخلی، به مجموعه ساخت و ساز کهنه و نوی می ماند که در هیچ بخشی تعامل منطقی عمرانی ندارند، با گنجایش مرکزی به بزرگی پوهنتون اسلامی بین المللی، دچار تراکم بیش از حد جمعیت خواهد شد.

یکی از عوامل هجوم مردم به مراکز شهری، نبود محور های بزرگ عمرانی، اقتصادی و فرهنگی ولایات است. به استثنای ولایاتی که از مدرک گمرکات و موقعیت مراکز تاریخی خلط اقوام، چند کلان شهر شمال، جنوب، شرق و غرب می شوند، رونق عمرانی و رهائشی غیر منطقی شهر هایی مانند کابل، به دشواری های بیش از حد رشد جمعیت افزوده اند.

پوهنتون بین المللی اسلامی ننگرهار، افزون بر این که حق ننگرهار همیشه بهار و مردمان فرهنگی مشرقی است، از منظر پاداش مردم در امور حمایت از دولت و تامین آرای سرنوشت ساز، باید و شاید جزو پلان های عمرانی ننگرهار شمرده شود. بنابراین، هر گونه طرح حذف آن را در نخست، عداوت مستقیم با اکثریت مردم افغانستان می دانیم و ثانیاً هشدار می دهیم برنامه های انحرافی که در 17 سال اخیر، محرومیت ها و فجایع زیادی را بر جامعه اکثریت افغانستان (پشتون ها) تحمیل کرده اند و نتایج زیانبار آن را با رشد سرسام آور مخالفان مسلح دیدیم، به انحصارگران، فزون خواهان و فرصت طلبان «غیره»، هشدار می دهیم با طرح غیر ننگرهار پوهنتون بین المللی اسلامی، سر کیسه های خویش را ببندند! این طرح، حق اکثریت است و اگر ننگرهار ی نشود، زمینه کابل، منطق «جور» آن نیست. یا ننگرهار یا شهر هایی که در جغرافیای اکثریت، بدیل های استثنایی اند.

شرح تصاویر:

نقشه پوهنتون اسلامی بین المللی ننگرهار و مکتوبی که حضرت عمر زخیلوال صاحب، منتشر کرده است. ایشان راجع به این مکتوب، چنین می نویسند:

«په ننگرهار کې د نړیوال اسلامي پوهنتون د جوړېدو وړاندیز زما له لوري د پخواني ولسمشر د لارښوني پر اساس د اسلامي پراختيايي بانک د خرطوم سوډان په 2012 کال کلنی غونډه کې وړاندي او د نوموړي بانک له لوري د بلاعوضه مرستې د تمویل لپاره منظور شو. ورپسې د نوموړي پوهنتون د جوړېدو رسمي اعلان د اسلامي همکاريو د سازمان له لوري د نوموړي سازمان د همغه کال په کلنی غونډه کې هم وشو. له هغې وروسته د نوموړي پوهنتون موقعیت په ننگرهار کې د وخت د کابینې له لوري رسماً منظور او د لوړو زده کړو وزارت ته لارښوونه وشوه چې په ننگرهار کې د پوهنتون د جوړېدو په اړه د اسلامي نړیوال بانک سره له نږدې همکاري وکړي چې په پایله کې یې هم په ننگرهار کې د نوموړي پوهنتون لپاره ستره ټوټه مناسبه ځمکه شناسايي او رسماً انتقال شوه او هم د اسلامي پراختيايي بانک له لوري د نوموړي پوهنتون د ډیزان او مطالعي لپاره متعدد مسلکي ټیمونه راولېږل شو چې هر یو یې د نورو ورسپارل شویو کارونو تر خوا ننگرهار او هلته د پوهنتون لپاره مشخص شوی موقعیت کلک تایید کړی.

هيله ده هغه آوازي چې گواکي کابينې ته وړاندیز شوی چې د نوموړي پوهنتون موقعیت دي اوس پدی اخره مرحله کې له ننګرهار څخه انتقال شي ناسمې وي. که چېرې سمې وي نو بیا یې په کلکه مخالف یم.»

---

د پاڼو شمېره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ